

در نظام حقوقی و قضایی کشور، می‌توان موارد بسیاری از این دست را مشاهده کرد. به عنوان مثال تغییر نحوه رسیدگی به دعاوی موجر و مستأجر در دهه ۷۰ یکی از اقدامات هوشمندانه دستگاه تاد آن دوره بوده است که منجر به کاهش شدید نرخ شکل‌گیری این دعاوی شده است. در آخرین مورد نیز اخیراً طی طرح اصلاح قانون چک در مجلس، با تغییر قاعده مینا در نحوه رسیدگی حقوق دعاوی چک، با اثبات دلیل و شروع دعوا بر عهده بدهکار قرار گرفت که طی مطالعات میدانی و نظرات کارشناسان این اقدام می‌تواند به کاهش بسیار قابل توجه اطاله دادرسی‌ها در دعاوی چک که رتبه دوم دعاوی حقوقی کشور را به خود اختصاص داده است، منجر شود.

بنابراین پیشنهاد می‌شود رویه رسیدگی قضایی در دعاوی حقوقی بازنگری و به نفع فردی که در اکثر دعاوی با این موضوع ذی‌حق شناخته می‌شود، اصلاح گردد تا بدین طریق ضمن کاهش اطاله دادرسی، از انباشت پرونده در دادگاه‌ها و تبعات اقتصادی و اجتماعی آن نیز جلوگیری شود.

۲-۳. کاهش رویه‌های فسادزا از طریق کاهش نقش عامل انسانی و توسعه سامانه‌های مبتنی بر فناوری اطلاعات

اعطای نقش تعیین‌کننده به عامل انسانی (قضات، کارکنان دادگاه، کارشناسان و...) در فرایندهای قضایی، یکی از زمینه‌های جدی کاهش بهره‌وری و بروز فساد است. چنین وضعیتی فراهم‌کننده موجبات رانت و اعمال نفوذ در تصمیمی است که توسط فرد گرفته می‌شود. به عنوان مثال به اذعان مسئولین ارشد قضایی یکی از مشکلات دستگاه قضایی، نظام ارجاع، اعم از ارجاع به شعب با ارجاع به کارشناس است. در فرایند ارجاع کار به کارشناس، بعضی از قضات با دور زدن قانون، خودشان به طور مستقیم موضوعات را به کارشناس ارجاع می‌دهند. از آنجا که نظر کارشناس در حل موضوع دعوا و نتیجه آن تأثیر جدی دارد و عمده آرای قضات مبتنی بر نظرات کارشناسی صادر می‌شود، ارجاع مستقیم پرونده به کارشناس توسط قاضی و تداوم این موضوع، آسیب‌های جدی و مفساد فراوانی به همراه خواهد داشت. در حالی که با ایجاد سامانه ارجاع تصادفی و همچنین از بین بردن رابطه

شناختی مبتنی بر بستر فناوری اطلاعات می‌تواند این نقاط ایجادکننده تخلف را کاهش دهد.

۳-۳. توسعه هویت‌های حقوقی به جای هویت‌های حقیقی در نظام قضایی با هدف افزایش مسئولیت تضامنی و کاهش فساد

هزینه‌دار نبودن اظهارنظرهای اشتباه در پرونده‌ها و به تبع آن بی‌انتهای بودن فرایندهای قضایی از جمله عوامل تشدیدکننده اطاله دادرسی در دادگاه‌ها است.

حرکت به سمت هویت‌های حقوقی به جای هویت‌های حقیقی در حلقه‌های مکمل نظام حقوقی و قضایی کشور (مانند ایجاد شرکت‌های کارشناسی یا وکالت به جای افراد کارشناس یا وکیل) می‌تواند امکان ایجاد نظامات مسئولیت تضامنی برای این حلقه‌ها و در نتیجه افزایش بهره‌وری و کاهش مفساد در آن‌ها به دنبال داشته باشد. این رویکرد، موجب کاهش هزینه‌های نظارت و افزایش هزینه تبانی بین افراد می‌گردد. از طرفی به دلیل حافظه‌دار شدن بیشتر رفتارها در هویت‌های حقوقی، امکان ایجاد رقابت بین این هویت‌ها بیشتر شده و سطح کیفیت خدمات آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. به عنوان مثال مسئولیت تضامنی شرکت‌های کارشناسی تعیین قیمت در بورس، منجر به کاهش شدید فساد در مقوله قیمت‌گذاری سهام اولیه در بورس شده است در حالی که همین مقوله تعیین قیمت کارشناسی در امور مختلف قضایی در نظام کارشناسان رسمی دادگستری که مسئولیت تضامنی ندارند منجر به انواع تخلف‌ها و اطاله دادرسی بسیار زیاد پرونده‌ها شده است.

علی‌رغم پشتوانه غنی و پربر بار تعالیم دینی و رهبران جمهوری اسلامی در ضرورت نقش‌آفرینی مردم در جامعه از جمله صیانت و نظارت بر اداره کشور، به دلیل غفلت از طراحی فرایندها و بسترهای لازم برای این امر مهم، همچنان این ظرفیت عظیم نظارتی در کشور روی زمین مانده است.

۴-۳. کاهش فساد و تخلف از طریق توسعه نظارت غیرمتمرکز مردمی

متأسفانه علی‌رغم پشتوانه غنی و پربر بار تعالیم دینی و رهبران جمهوری اسلامی در ضرورت نقش‌آفرینی مردم در جامعه از جمله صیانت و نظارت بر اداره کشور، به دلیل غفلت از طراحی فرایندها و بسترهای لازم برای این امر مهم، همچنان این ظرفیت عظیم نظارتی در کشور روی زمین مانده است. در حالی که امروزه دنیا استفاده از توان نظارت غیرمتمرکز یا مردمی، یکی از قوی‌ترین ابزارها برای مبارزه با تخلفات و جرایم است. طبق آمارهای بین‌المللی در سال ۲۰۱۲ از میان ۱۲ روش مرسوم کشف تخلفات و مفساد از قبیل حسابرسی خارجی، بررسی مدیریتی، تقاطع اطلاعاتی، نظارت مردمی و غیره، ۴۳ درصد از تخلفات در جهان با استفاده از شیوه نظارت غیرمتمرکز (مردمی) و مابقی تخلفات با استفاده از ۱۱ روش دیگر کشف شده‌اند.

تجربه کشور در طی سال‌های گذشته نشان داده که روش‌های مرسوم مبتنی بر نظارت متمرکز، ظرفیت کاهش چشمگیر فساد و تخلف را نداشته و بلکه در برخی از موارد به دلیل طراحی‌های غلط، منجر به پدیده‌ی اقتصاد ناهنجار نیز شده است. در کشور ما تاکنون هیچ قانون مشخصی برای حمایت و تشویق مردم در جهت گزارشگری تخلف و فساد به دستگاه‌های نظارتی و قضایی وجود ندارد که منجر شده بسیاری از مردمی که به دلیل دغدغه و انگیزه‌های معنوی برخی از تخلف‌ها و مفساد را در کشور پیگیری کرده‌اند با هزینه‌های سنگین و حتی برخوردهای قضایی مواجه شده و در نتیجه انگیزه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه کاهش یابد.

۵-۳. ایجاد شفافیت غیرعامل قضایی؛ کم‌هزینه‌ترین سازوکار نظارت

یکی دیگر از روش‌های توسعه نظارت مردمی و نقش‌آفرینی مردم در حکومت، شفافیت امور و فرآیندها و در معرض مرئی و نظر مردم قرار دادن نهادها و افراد در کشور است.

برگزاری دادگاه‌ها به صورت علنی و شفافیت آرای قضات دو تمهید قانون‌گذار برای توسعه نظارت‌های عمومی در نظام قضایی بوده که یکی